

کشته شدن نادرشاه و ترس و وا همه انگلیس ها

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

جگرن فیرویل (Major Farwell) آتشه نظامی سفارت انگلیس در کابل اولین کسی بود که خبر کشته شدن محمد نادرشاه را به دولتش اطلاع داده نوشت که «علیحضرت نادرشاه حوالی ساعت ۲ و ۴۵ بعد از ظهر ۸ نومبر [۱۹۳۳] در محفل چائی که توسط وزارت معارف تهیه شده بود، توسط یک متعلم مکتب آلمانی به قتل رسید. [مقصد فیرویل مکتب امانی بود که تحت اداره آلمان ها قرار داشت و بعد از تخت نشینی نادر خان ضمن کمپاین از بین بردن اسم و نشان امان الله خان مثل مکتب امانیه که به استقلال تبدیل شده بود، این مکتب هم به نجات تبدیل شد]. قاتل پسر خدمتگار مرحوم غلام نبی خان بوده و بنظر میرسد که این جرم برای انتقام از اعدام غلام نبی [خان چرخ] باشد، که یکسال قبل به همین تاریخ صورت گرفته بود.

شاه محمود خان فوراً بعد از قتل، تمام اعضای خانواده شاهی موجود در کابل، و متنفذین محلی بشمول حضرت شوربازار را جمع نموده و محمد ظاهرشاه را بحیث پادشاه اعلام کرد. گفته میشود که تخت به خود شاه محمود خان پیشکش شد،



نادرشاه به ضرب گلوله از پا در آمده است

اما وی قبول نکرد... مراسم تدفین صبح ۹ نومبر انجام یافت. هیئت دیپلماتیک و یک جمعیت بزرگ حضور داشتند، اما غیابت محمد ظاهر خان و شاه محمود خان مشهود بود. الله نواز خان در مراسم تدفین نقش بارز داشت. (یادداشت شماره ۴۵ برای آخر هفته ۹ نومبر ۱۹۳۳).

سفیر انگلیس در کابل بتاريخ نهم ماه نومبر ۱۹۳۳ طی تلگرافی به وزیر امور خارجه انگلستان، وزیر دولت برای هند، و وزیر خارجه برای امور هند، ابلاغه رسمی حکومت افغانستان در رابطه با کشته شدن محمد نادرشاه و یک کاپی از ترجمه خلاصه مقاله اصلاح را فرستاد.

دو رویداد غیر عادی قبل از کشته شدن نادرشاه

یک ماه قبل از کشته شدن محمد نادر خان دو رویداد غیر عادی رخ داده بود: رویداد اول دستگیری «لیونی فقیر» و همکاریش بود که طی یک عملیات مشترک دولت افغانستان و هند بریتانوی در تورخم به دام انگلیس ها افتاد. رویداد دوم تجلیل از جشن تخت نشینی محمد نادر شاه در کابل بود. آتشه نظامی سفارت انگلستان در کابل در رابطه با رویداد اخیر گزارش داد که «جشن تجلیل از سالگرد تخت

نشینی نادرشاه در کابل به تاریخ ۱۶ اکتوبر

برگزار شد. برخلاف سال گذشته، این مراسم به عوض محضر عام در قصر دلکشا برگزار شد، و از رسم گذشت گاریزون کابل نیز اثری نبود. شاه، شیخ السفرا ستارک [سفیر روسیه] از هیئت دیپلماتیک و عبدالاحد رئیس شورای ملی سخنرانی کردند. همان شب مأمورین افغان و سران سفارت ها نان شام را با شاه در قصر دلکشا صرف نمودند. بعد از نان، ضیافتی ترتیب داده شده بود که در آن تمام خارجیان و شخصیت های برجسته افغان حضور داشتند، اما باز هم برخلاف سال گذشته، شاه در آن ضیافت حضور نداشت. (یادداشت شماره ۴۲ برای آخر هفته ۲۰ اکتوبر ۱۹۳۳).

سفیر انگلیس در کابل هم ضمن مکتوبی راپور آتشۀ نظامی را به وزیر دولت برای امور خارجه در لندن ارسال نموده نوشت که «این مراسم به اثر خاطره اعدام های اخیر در کابل، و تدابیر احتیاطی بسیار شدیدی که برای حفظ شخص شاه از حملات احتمالی تروریست ها لازم شمرده میشد، خدشه دار شده بود. در نان شب دیده میشد که پسر شاه، ظاهر جان، کسی که غیبتش در سال گذشته منجر به تبصره هائی شده بود، در پهلوی شاه حضور نداشت، بلکه بطرف راست صدراعظم [هاشم خان] در سمت مخالف میزاعلیحضرت نشسته بود.» (همانجا).

ناکامی تلاش ها و پافشاری سفیر انگلیس برای تحفظ بیشتر نادر شاه

اسناد آرشیف هند بریتانوی نشان میدهد که انگلیس ها قبل از کشته شدن محمد نادر خان از پلان سو قصد بر او اطلاعاتی را در دست داشتند. مطابق به این اطلاعات گروپ امان الله خان مدتی قبل از کشته شدن محمدنادرخان تصمیم گرفته بود او را از سر راه شان بردارند. آنها همچنان پلان داشتند همزمان ظاهرشاه پسر نادر خان، محمد هاشم خان صدراعظم، و وزیر حرب شاه محمود خان را بکشند. آنها در نظر داشتند فوراً به تعقیب این قتل ها غلام دستگیر خان را از زندان آزاد و او از طریق روسیه زمینه بازگشت امان الله خان را فراهم سازند. مطابق به این گزارشات، تعداد زیادی از حامیان امان الله خان حالا هم میگویند که امان الله خان باید برای یک یا دو سال بحیث شاه نه، بلکه بحیث رئیس جمهور یک جمهوریت قانونی اداره امور را بدست گرفته و بعد از آن راجع به قانون اساسی حکومت تصمیم نهائی گرفته شود. اما دیگران میخواهند او بحیث پادشاه مطلق زمام امور را بدست گیرد. درین راپور ها علت ناکامی این پلان از یکطرف عدم توانمندی کافی طراحان آن برای کشتن بیش از یک نفر، و از طرف دیگر اقدامات فوری و فعالانۀ شاه محمود خان ذکر شده است. (مکتوب شماره پی ایم ۳۰۱۱ مؤرخ ۳۰ نومبر ۱۹۳۳ دفتر استخبارات نظامی کویت به ستاد ارتش در دلی جدید).

در راپور سالانۀ ارزیابی اوضاع سال ۱۹۳۳ افغانستان هم که از طرف انگلیس ها تهیه و سفیر انگلیس در کابل آنرا تصدیق کرده است، از پافشاری سفیر انگلیس برای تحفظ بیشتر محمد نادر خان ذکر شده است. به اثر همین پافشاری سفیر انگلیس بر حکومت کابل بود که رسم گذشت عسکری تعیین شده شانزدهم اکتوبر، سالروز تجلیل از تخت نشینی نادرشاه، لغو شد. اما با وجود آن سه هفته بعد شاه در محفل دادن جوایز به مکاتب کابل توسط عبدالخالق، یکی از شاگردان مکتب المانی، کشته شد. بنظر میرسد که انگیزه این قاتل، برخلاف سید کمال و محمد عظیم [قاتلین سردار محمد عزیزخان برادر بزرگ محمد نادرشاه و اعضای سفارت بریتانیا در کابل] تقریباً کاملاً یک انگیزه شخصی بوده باشد. احتمال زیاد موجود بود که اگر عبدالخالق پیشدستی نمیکرد، گروپ انقلابی برای کشتن شاه وسیله دیگری را پیدا میکردند.

در یک انکشاف دیگر، مکنونچی سفیر انگلیس در کابل، بدون ذکر اسم از قول یک شخص مطمئن که در رابطه قتل محمد نادر خان حقایق را میداند، مینویسد که «اعلیحضرت صبح روز ۸ نومبر یک نامه گمنام را گرفته بود که در آن اخطار داده شده بود تا برای دادن جوایز به شاگردان نرود. وزیر دربار پافشاری میکرد که شاه شخص دیگری را موظف سازد تا درین محفل از اونماینده کند. شاه این پیشنهاد را رد کرد و گفت که نمیتواند به بچه ها بی اعتمادی اش را نشان دهد. اما او قبول کرد که مستقیم به خیمه که در آن جوایز داده میشوند، برود. عبدالخالق در قطار دوم شاگردان مکتب المانی و مستقیماً عقب جوانترین پسر شاه آغاسی علی احمد خان ایستاده بود، که درین اواخر ازدواج نموده بود. هنگامی که شاه نزدیکش رسید، یکی از همراهان شاه موضوع را به او گفت. نادر شاه برای لحظه توقف نمود تا به این پسر مبارکباد بگوید. عبدالخالق این پسر را از عقب با لگد زده روی زمین انداخت و فوراً بر شاه آتش گشود.» (مکتوب محرمانه شماره ۱۵۳، مؤرخ ۲۹ نومبر مکنونچی به جان سیمون).

ترس و واهمه انگلیس ها

مقامات انگلیسی نمیدانستند که ترور محمد نادر شاه یک عمل انفرادی انتقام جویانه است یا نتیجه یک پلان وسیعتری که سو قصد به جان افراد دیگر خانواده یحیی را دنبال داشته باشد. آنها وضعیت سرحدات آزاد را آرام ارزیابی میکردند، فکر میکردند که محمد ظاهر پسر محمدنادرشاه چانس مناسبی داشته باشد. حمایت متحدانۀ کاکا های ظاهر خان، نبودن کدام مدعی رقیب، نزدیکی زمستان، و عودت قبایل کوچی (غلجی ها، خوستوال ها، ننگرهاری ها و غیره) به هند فکتور های بودند که به نفع ظاهر خان بود. اما با در نظر گرفتن کشته شدن سردار محمد عزیز خان [پدر سردار محمد داود خان] برادر بزرگ نادرشاه و سفیر افغانستان در برلین، کشته شدن کارمندان سفارت انگلیس در کابل، و به تعقیب آن دو ماه بعد کشته شدن محمد نادر خان، انگلیس ها را به هراس انداخت. آنها آینده را به فعالیت های غازی امان الله خان و گروهش مربوط دانسته و حتی تلاش پیشبینی آینده را هم خطرناک میدانستند. (مکتوب محرمانه شماره ۱۲۷۶-۱۳۱۳، مؤرخ ۱۹ نومبر ۱۹۳۳، ارزیابی اوضاع افغانستان توسط گورنر ایالت سرحدی شمال غربی).

بعد از کشته شدن محمدنادرخان، جگرن میدی (Major Meade) از دفتر استخبارات بلوچستان معلومات مهمی را به مرکز فرماندهی ارتش هند بریتانوی فرستاده و توجه شانرا به نفرت مردم از محمد نادر خان و خانواده اش جلب میکند. او در قسمت دلایل این نفرت از سیاست "تفرقه انداز و حکومت کن" این خانواده نام برده و میگوید که هر شخص با احساس ضرر این پالیسی نفاق افگانه را برای قومش و شخص خودش درک نموده و از همین سبب به مخالفت حکومت میپردازد. "میدی" به استناد اطلاعاتی که جمع آوری نموده است علت عمده بی اعتمادی مردم به این خانواده را عملی نکردن تعهدات و سوگند هایشان میداند. او می افزاید که بنظر میرسد تبلیغات هواداران امان الله خان هم در بی اعتمادی افغانها بر حکومت موجوده نقش داشته و او معتقد است که تعداد طرفداران امان الله خان رویه ازدیاد است، اما بنظر میرسد که فعلاً در داخل افغانستان رهبری نیست که این جمعیت بزرگ را بمقابل ارتشی که تا بحال وفادار است، رهبری نموده و حکومت موجوده را سرنگون سازد. اگر امان الله خان خودش بتواند به افغانستان یا سرحداتش بیاید، یک قیام عمومی تقریباً اجتناب ناپذیری برپا خواهد شد. باوجودی که رسیدن زمستان ممکن این روز بد را به تاخیر بیندازد، بنظر میرسد که بهار یا تابستان ۱۹۳۴ شاید برای افغانستان یک زمان خیلی خطرناک و بحرانی باشد.

جگرن میدی در یک جای دیگر راپور خود به گزارش ۲۰ نومبر آتشه نظامی سفارت انگلیس در کابل، که همین حالا برایش رسیده است، اشاره نموده مینویسد که اگر اجازه داشته باشم راجع به آن تبصره کنم، خواهم گفت که نظر به معلوماتی که من دارم، فرض کنیم که اکثریت افغانها تا حال از حکومت نادرخان راضی بوده باشند، اگر امان الله خان خودش برگردد، هفتادوپنج در صد (۷۵٪) افغانستان از وی استقبال خواهد کرد. (شماره آی. ایل. ۲۹۴، مؤرخ ۲۳ نومبر ۱۹۳۳).

ثبات رژیم خاندانی یکی از عمده ترین چلنج های انگلیس ها

انگلیس ها بعد از کشته شدن محمد نادر خان برای جلوگیری از وخامت اوضاع و ثبات رژیم موجوده در افغانستان هم دست به اقدامات جدی یکطرفه زدند، و هم برای خنثی ساختن فعالیت های امانیست ها اقدامات مشترکی را با رژیم خاندانی روی دست گرفتند.

پس از کشته شدن نادر شاه، گرچه پسرش محمد ظاهر شاه (۱۹ ساله) در موجودیت کاکاهای قدرتمندش سردار محمد هاشم خان، سردار شاه محمود خان و سردار شاه ولی خان به تخت نشست، اما سردار محمد هاشم خان صدراعظم بود که به ریاست خاندان یحیی خیل رسیده، و عملاً فرمانروای کشور گردید. سردار محمد هاشم خان به کمک انگلیس ها از مشکلات داخلی و خارجی ای که حکومت جدید به میراث برده بود، آگاه میشد. این مشکلات در امور داخلی شامل عناصر طرفدار غازی امان الله خان، جمعیت "جوانان افغان"، حامیان محمود طرزی و خانواده چرخ، روحانیون پر نفوذ، و جامعه قبایلی متنفر از انگلیس بود.

اقداماتی که محمد هاشم خان صدراعظم برای تحکیم سلطه خاندانی در دست گرفت شامل ازبین بردن یا خنثی ساختن مخالفین عمده، ایجاد کنترل مؤثر تر بر اقوام (خصوصاً اقوام مشرقی و جنوبی)، کسب حمایت یا بی طرفی غلجی ها، و انکشاف مخابرات و مواصلات بمنظور تماس با اوضاع در ولایات کشور و در صورت لزوم نقل و حرکت قوای نظامی بود.

انگلیس ها غازی امان الله خان و گروپش را که "امانیست" خوانده میشد، تحت نظارت شدید داشتند. و ازدیاد فعالیت ها و تلاش های شانرا به آگاهی سردار محمد هاشم خان رساندند. هاشم خان هم برای انتقام خون برادرش و هم برای زدایش تهدید خاندان حاکم، دو گروه را برای از بین بردن غازی امان الله خان و چهره های سرشناس حواریون او سازمان داد.

یک سند دفتر استخبارات وزارت داخله هند بریتانوی نشان میدهد که الله نواز خان بتاریخ ۲۰ دسمبر ۱۹۳۳ بمقصد سفر به اروپا، ویژه ترانزیت هند را بدست آورده است. درین مکتوب ذکر شده است که «دلیل این سفر معلوم نیست، اما قرار راپور ها حرکت وی در کابل سبب شایعات شور انگیزی شده است». (مکتوب محرمانه مؤرخ ۳ جنوری ۱۹۳۴، شماره P.F./31/20 دفتر استخبارات وزارت داخله یا انتیلیجنت بیوروی هوم دیپارتمنت).

سند دیگر حاکیست که الله نواز خان، کسی که در سال ۱۹۳۲ مأموریت محرمانه نادرشاه را در اروپا به عهده داشت، یک بار دیگر به اروپا آمده و فعلاً در برلین میباشد. (اسناد آرشیف هند بریتانوی L/P&J (S)/229 مؤرخ ۸ مارچ ۱۹۳۴).

حمایت دستگاه های استخباراتی روسیه در جلوگیری از پلانهای ترور غازی امان الله خان

وقتی سازمان های استخباراتی شوروی از ماموریت جدید الله نواز خان ملتانی اطلاع یافتند، دولت روسیه که در رقابت شدید با انگلیس ها قرار داشت، به سرعت تصمیم گرفت تا از غازی امان الله خان حمایت نموده و برای حفظ جان وی تدابیر لازمه را روی دست گیرند.

در ماه جنوری ۱۹۳۴ سفارت شوروی از کمیساریای خلق در امور خارجی رهنمود گرفت تا شاه سابق را از تهدیدی که متوجه اوست، آگاه سازد. قره خان، معاون کمیساریای خلق در امور خارجی به آگاهی پوتومکین، سفیر شوروی در روم رساند که الله نواز خان، پاور خاص محمدنادر شاه، با گرفتن وظیفه سازماندهی کشتن امان الله خان به اروپا گسیل گردیده است. (آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۷۱، سال ۱۹۳۴، دوسیه مخصوص ۱۶، کارتن ۱۷۰، [فحه ۹، به حواله تیخانیف].)

هاشم خان برای اطمینان بیشتر در نابود ساختن حتمی دشمن خونی خود، فرمان داد تا در پهلوی گسیل افراد خاص به اروپا، گروه دیگری را به مکه بفرستند. چون امان الله خان تصمیم گرفته بود برای انجام فریضه حج برود.

شوروی ها همه اقدامات هاشم خان را که سرسختانه می کوشید بخاطر برادرش از امان الله خان و حواریون او انتقام بگیرد، زیر ترصد داشتند، و این تلاش های مسکو تا اندازه در ناکامی شکست کوشش های ترور غازی امان الله خان نقش داشت. مثلاً الله نواز خان و افرادش از سوی پولیس ایتالیا دستگیر و سلاح های شان ضبط گردید، کاری که سر به رسوایی جهانی زد. (آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۷۱، سال ۱۹۳۴، دوسیه مخصوص ۱۶، کارتن ۱۷۰، [فحه ۹، به حواله تیخانیف، [فحه ۲۶].)

اما این ناکامی الله نواز خان مانع انتقام جوئی خانواده شاه مقتول نگردیده و یکبار دیگر در ماه می ۱۹۳۴ احمد علی خان [به گمان اغلب احمد علی خان لودین، رئیس اردوکه بعداً بحیث وزیر مختار افغانستان در برلین تعیین شد] را به حیث سکرتر سفارت افغانستان به روم فرستادند، تا به هر قیمتی که شده، وظیفه سپرده شده به الله نواز خان را به سر برساند. هاشم خان اینبار محافظ خاص خود، حکیم، را نیز برای انجام این «اقدام» به روم فرستاد.

اما بار دیگر استخبارات شوروی به اطلاعات «گرانبهایی» در زمینه دست یافته، آن را از طریق سفارت شوروی در روم به دسترس غازی امان الله گذاشت که بی درنگ تدابیر لازم امنیتی را در زمینه روی دست گرفت.

به گفته داکتر یوری تیخانف، خاور شناس روسی و نویسنده کتاب سیاست قدرت های بزرگ در افغانستان و قبایل پشتون (نبرد افغانی استالین) اکنون ناممکن است میزان مشارکت سازمان های اطلاعاتی شوروی در تامین امنیت امان الله خان در آن برهه را روشن ساخت. مگر می توانیم حدس بزنیم که کاملاً امکان دارد این سازمان ها تنها به رساندن اطلاعات محرم از کابل به روم اکتفا نکرده باشند. معلوم میشود که پولیس و سرویس های مخصوص ایتالیا در سال ۱۹۳۴ ناگزیر گردیدند مساعی همه جانبه یی را برای نگهداری از امان الله خان روی دست بگیرند. تیخانف میگوید که در نتیجه، وابستگان و همخاندانی های نادرشاه با پی بردن به بیهودگی تلاش های خود ناگزیر گردیدند برنامه رسیدن به حساب امان الله در اروپا را از سر خود بکشند. با آن که تلاش های مبنی بر مسموم ساختن او در مکه تا سال ۱۹۳۸ ادامه یافتند.

منابع:

- اسناد آرشیف انگلستان، یادداشت شماره ۴۵ برای آخر هفته ۹ نومبر ۱۹۳۳
- اسناد آرشیف انگلستان، یادداشت شماره ۴۲ برای آخر هفته ۲۰ ۹ اکتوبر ۱۹۳۳.
- اسناد آرشیف انگلستان، دفتر هند بریتانوی، مکتوب شماره پی ایم ۳۰۱۱ مؤرخ ۳۰ نومبر ۱۹۳۳ دفتر استخبارات نظامی کویت به ستاد ارتش در دبی جدید
- اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب محرمانه شماره ۱۵۳، مؤرخ ۲۹ نومبر مکوناچی به جان سیمون
- اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب محرمانه شماره ۱۲۷۶-۱۳۱۳، مؤرخ ۱۹ نومبر ۱۹۳۳، ارزیابی اوضاع افغانستان توسط گورنر ایالت سرحدی شمال غربی
- اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب محرمانه مؤرخ ۳ جنوری ۱۹۳۴، شماره P.F./31/20 دفتر استخبارات وزارت داخله یا انٹیلیجنت بیورو هوم دیپارتمنت
- اسناد آرشیف انگلستان L/P&J (S)/229 مؤرخ ۸ مارچ ۱۹۳۴
- آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۷۱، سال ۱۹۳۴، دوسیه مخصوص ۱۶، کارتن ۱۷۰، صفحه ۹، به حواله تیخانیف.

— آرشیف سیاست خارجی فدراسیون روسیه، فوند ۰۷۱، سال ۱۹۳۴، دوسیۀ مخصوص ۱۶، کارتن ۱۷۰، صفحۀ ۹،
به حوالۀ تیخانوف، صفحۀ ۲۶.

(پایان)